

لشکر صلح

نویسنده: جعفر توزنده جانی

www.ketab.ir



انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری) حوزه هنری کودک و نوجوان

لشکر صلح

روایتی داستانی از زندگی امام حسن مجتبی^(ع)

از مجموعه ی قصه ی نیکان ۵/

نویسنده: جعفر توند جانی

چاپ: معافی و لیتوگرافی، واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

پ.ا.ول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۸۱۲-۶

شابک ده: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۸۱۱-۰

سر ناسه: سیده جان جعفر، ۱۳۴۱ -

عنوان: پدید آمدن لشکر صلح: روایتی داستانی از زندگی امام حسن مجتبی^(ع)
نوشته ی جعفر توند جانی [آبرام] دفتر کودک و نوجوان [سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه ی هنری]

مشخصات نشر: تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۵۶ بر

فروست: قصه ی نیکان: [ج. ۵].

ISBN: 978-600-175-812-

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان دیگر: لشکر صلح.

عنوان دیگر: روایتی داستانی از زندگی امام حسن مجتبی^(ع).

موضوع: حسن بن علی^(ع)، امام دوم، ۳ - ۵۰ هـ -- سرگذشت نامه -- داستان نوجوانان

موضوع: چهارده معصوم -- داستان های کودکان و نوجوانان

موضوع: داستان های مذهبی -- قرن ۱۴

شناسه ی افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه ی هنری، دفتر قصه کودک و نوجوان

شناسه ی افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

شناسه ی افزوده: قصه ی نیکان: [ج. ۵].

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج. ۴، ۶۵۴/ق BP۹/

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۸ [ج]

شماره کتاب شناسی ملی: ۴۰۵۲۴۰۰

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه ی پیامک: ۰۲۰۰۵۴۱۹

تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۲ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

بخش یکم
گوفه

www.ketab.ir

کوفه ۷۱
مدینه ۷۷
۱۲۹

بخش یکم
بخش دوم
منابع

بیدار شدن هفتی چشم کشود، با
کعبه به اطراف خود نگاه کرد و دید عایش را روی
پوشش انگشت و بد خیمه رگتد. این بود، تازه با کش آمد
که داخل خانه می رفت و آن را در آن می نمود. هفتی با
خودش فکر کرد این وقت شب چه اتفاقی بر او افتاده و می پرسید
که رفته بود خانه ای ام کلثوم، پدرش هم آن جا بود، و
این را می بیند از چیزهای خوانده، حتی حرفی نمی درند و در آن
نگر او کرد علی گفت: «ایم برات رسول خدا تنگ شده است»
«ایم خدا با شکرین نام رسول خدا بر یاد دوران خوش کودکی
بود افتاده به یاد روزهای که بیشتر وقت ها در کنار پدرش
حضرت محمد بود، به یاد روزهای افتاد که به هوای دین رسول
خدا به مسجد می رفت، بعضی وقت ها که می دید به سجده رفته